جلالت علمی شیخ انصاری

خدا همه علماء را رحمت کند! مرحوم حاج آقا قافی از علماء بسیار نازنین یزد بودند. چندی پیش هم سالگردشان بود در مسجد اعظم. شاگردشان گفت - من خودم از محضرشان نشنیدم - فرمودند اگر به من بگویند شیخ انصاری مجتهد هست یا نه، من می‌گویم شیخ انصاری فوق اجتهاد است. چرا؟ چون مجتهد می‌رود و به یک نظر می‌رسد، اما ما شاء الله شیخ انصاری کجا برود و بایستد؟! هر کجا می‌رسد دوباره به جای دیگری می‌رود.

همان قضیه‌ای است که با مرزای بزرگ دارند. بین علماء معروف بوده، ولی با کمی تفاوت. اولین باری که در سال 1354 طلبه شدم، محضر آیت الله کازرونی در یزد -از علماء بزرگ یزد بودند که در اصفهان درس خوانده بودند- بودم. ایشان فرمودند مرزای بزرگ وقتی به نجف آمدند، درسها را دور زدند. خودشان مجتهد شیرازی بودند، ولی نپسندیدند. درس عمومی شیخ اعظم هم رفتند، ولی نپسندیدند؛ خواستند برگردند. کسی به شیخ اعظم خبر داد که فاضل شیرازی مرزا محمد حسن آمده‌اند، ولی درسهای نجف را نپسندیده‌اند و می‌خواهند برگردند به شیراز. ظاهراً شیخ به‌غیر از جهات کرامتی که داشتند و معروف است، روی حساب ظاهر هم حس کرده بودند که این آقا سید برای آینده حوزه نجف خیلی قابل است. لذا تا مطلع می‌شوند، می‌گویند می‌خواهیم به دیدنشان برویم. حاج آقای کازرونی می‌فرمودند: شیخ وارد شدند - ظاهراً مرزای شیرازی اسباب‌شان را هم بسته بودند تا به شیراز برگردند - شیخ نشستند و روی رسم نجف فرمودند مسألةٌ. نجف این جور بوده که تا می‌نشستند به جای حرفهای پوچ زدن، مسألة می‌گفتند و یک فرع فقهی مطرح می‌کردند. رسم جلسات نجف این بود. بعد فرمودند: این مسأله هست؛ اگر کسی در این مسأله چنین بگوید -نظری را در این مسأله تقریر کردند- به چه صورت است؟ مرزا تأملی کردند و جوانبش را دیدند، گفتند خوب است و الجواب یقع محله. تعبیر حاج آقا این بود که یک چایی خورده شد و شطبی که شیخ داشتند...! بعد شیخ فرمودند حالا اگر کسی در جوابی که ما دادیم اشکال کند - همان چیزهایی که الآن از شیخ سراغ داریم - در این مسأله اشکال کند؛ شیخ شروع به تقریر اشکال کردند. مرزا تأمل کردند و دیدند اشکال وارد است و اشکال قوی‌ای است. گفتند ظاهرا اشکال وارد است. دوباره شیخ فاصله‌ای انداختند و فرمودند حالا اگر این اشکال را کسی به این صورت جواب دهد؟! شروع به جواب دادن کردند. جواب را گفتند و فرمودند این جواب چطور است؟ مرزا تأملی کردند و گفتند به نظر جواب خوبی است. حاج آقای کازرونی می‌فرمودند مرزای بزرگ یک دفعه به خود آمد و دید گویا شیخ اینجایش را گرفته و به این طرف می‌کشاند و به آن طرف می‌کشاند! هیچ اختیاری از خودش ندارد. هرچه می‌گوید، می‌گوید خوب است! بعداً همه شیخ خداحافظی کرد و رفت. مرزا فهمید شیخ آمده بود که چه کند. مرزا گفت من درس عمومی آمده بودم. حاج آقا فرمودند تا شیخ رفت، سید به خادمش ور کرد و فرمود وسائل را دوباره پهن کنید، ما ماندنی شدیم. شیخ این جور است. آقای قافی می‌فرمودند فوق اجتهاد است؛ مجتهد یک جایی می‌رسد و می‌ایستد، اما شیخ که بازنمی‌ایستد.

از چیزهای جالب این است - حاج آقای بهجت زیاد می‌فرمودند - شیخی که مثل حاج آقا قافی می‌فرمودند مجتهد نیست و فوق اجتهاد است، خود مرحوم شیخ مدتی در اجتهاد خودش شک داشته. این را چندین بار حاج آقا فرمودند و معروف است که شک داشتند که من مجتهد هستم یا نیستم؟ خالصه در مسجد نشسته بودند؛ شخصی تشریف آوردند و گفتند شیخنا مسألة. ظاهراً مسأله‌ای که حضرت از شیخ پرسیدند، در کتابها هست. شیخ فرمود فقها اینها را مطرح نکرده‌اند. فرمودند: خب قاعده چه اقتضائی می‌کند؟ شیخ عرض کرد قاعده این را اقتضاء می‌کند. سه بار فرمودند «انت

المجتهد». فعلاً هم هیچ خبری نبود. از در مسجد بیرون تشریف بردند، شیخ یکدفعه به حال آمد و گفت من چند روز است که در این حال هستم که من مجتهد هستم ای نیستم! این آقا بیایند و یک مسأله‌ای بپرسند که در هیچ کتاب فقه‌ای نیست! من هم بگویم نیست و بگویم قاعده چیست! بعد هم سه بار بگویند «انت المجتهد»! حاج آقا می‌فرمودند شیخ به شاگردش فرمود برو ببین این آقا کجا رفتند. نگفت من این چند روز در چه حالی بوده‌ام. رفت و آمد و با وجودی که فضا وسیع بوده و دید هم داشته، گفت گوی به آسمان رفته‌اند و در هیچ کجا پیدا نیستند. شیخ حرف نزد و نگفت که چه شد. ولی بعداً نقل‌هایی در کتاب‌ها آمده است، شاید خود شیخ توضیح دادند.

شیخ این جور است. ما شاء الله این قدرت را دارد که حاج آقا می‌فرمودند 150 سال است که علماء سر سفره شیخ هستند! این تعبیرات از بزرگان فقه‌ایی مثل آیت الله بهجت کم نیست! این عین تعبیری است که من از حاج آقا شنیدم که فرمودند 150 سال است که علماء سر سفره شیخ هستند. خیلی است!

علی ای حال، فضا، فضای استدلال است؛ حرف زدن و فهم طبق دلیل است، نه فهم ارتکازهایی که فعلاً لسان ندارد و قدسی است و از حال مجتهد ظهور می‌کند.

بنابراین این سؤال در بخش سوم هنوز مطرح است. فعلاً باید روی آن تأمل کنیم. فعلاً پیشنهاد این است که از تراث فقهی این زحمت حوزی کشیده شود و تمام استدلالات فقهی که در طول تاریخ فقه شیعه در کتب آنها آمده، مورد به مورد نگاه شود که وقتی یک فقیهی فتوای فقیه دیگر را نقد کرده، چطور جلو رفته است. همچنین فتوایی که صادر شده و بر نظر خودش استدلال می‌کند، چطور است. اگر اینها استخراج شد، بعداً می‌توانیم بگوییم در آموزش ماشین تا کجا می‌توانیم جلو برویم و آن «reasoner» و بخش استدلال‌گر هوش مصنوعی تا کجا می‌تواند پیش برود. فعلاً نمی‌توانم مطلب مسلمی را خدمت شما عرض کنم.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 12:59:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اوت 2025 13:49:44 توسط ... .